

## «انگلستان و غارت منابع نفتی ایران» بازخوانی تاریخی و بررسی تعهدات حقوقی متقابل ایران و انگلیس در قراردادهای داری و کنسرسیوم

شهر روز شریعتی - جلیل دارا

### مقدمه

نگاهی به قراردادهای نفتی ایران با دولتهای انگلیس و امریکا در دوره قاجار و پهلوی مبین این نکته است که در بیشتر این امتیازات هیچ گونه موازنه‌ای از لحاظ قدرت سیاسی و نظامی بین گیرندگان امتیاز و کشور ایران وجود نداشت و مذاکرات در شرایط مساوی بین طرفین صورت نمی‌گرفت. در این بین، قراردادهای داری و کنسرسیوم را که هر دو آنها در شرایط بحران، فقر و ضعف دولتهای وقت ایران با ابتکار انگلیسیها به کشور تحمیل شد می‌توان فقط نمونه‌ای از تضييع حقوق ملت ایران از سوی سیاستمداران بریتانیا دانست. به عبارت بهتر، سیاستمداران دولت استعماری انگلستان که همواره مترصد بودند تا از وضع نابسامان ایران در جهت افزایش منافع و تحقق خواسته‌های خود بهره گیرند، در قالب دو قرارداد داری و کنسرسیوم توانستند منفعی سرشار از منابع زیرزمینی ایران برای مدتی طولانی تضمین کنند. این مقاله ضمن بازخوانی تاریخی قراردادهای داری و کنسرسیوم می‌کوشد تا با مطالعه ابعاد حقوقی دو قرارداد مذکور، میزان منافع انگلستان را در این قراردادها بررسی کند و به این پرسش پاسخ دهد که قراردادهای داری و کنسرسیوم چه منفعی را نصیب دولتین ایران و انگلستان ساخت. مقاله در پاسخ به پرسش مذکور این فرضیه را به آزمون می‌گذارد که: «دولت انگلستان با بهره‌گیری از ضعف سیاسی، حقوقی و تکنولوژیک دولتهای وقت ایران توانست قراردادهای نفتی داری و کنسرسیوم را به ایرانیان تحمیل کند و از این رهگذر ضمن مغبون ساختن ملت ایران منافع سرشاری را عاید خود سازد.» این فرضیه بر مبنای این مفروض قرار دارد که

انگلستان در دوره مورد بررسی، دولتی توسعه طلب و امپریالیست بوده است. مقاله برای تسهیل فهم قراردادهای مذکور با بررسی و بازخوانی مجدد «متن کامل» این قراردادها، آنها را بر اساس پنج شاخصه دوره زمانی قرارداد، مالکیت مخزن، مالکیت تأسیسات، مالکیت اکتشاف و نحوه پرداختها به دولت ایران و در قالب جدولهایی مستقل بررسی می‌کند تا به صورت مشخص منافع هر یک از طرفین را از قراردادهای مذکور نشان دهد. این نوشتار همچنین با مروری بر برخی از اسناد و خاطرات موجود نحوه نگرش و دیدگاه مقامات وقت ایران و انگلستان را در قبال دو قرارداد بررسی خواهد کرد. این مقاله نخست به زمینه و زمانه شکل‌گیری قرارداد داری و ابعاد حقوقی آن می‌پردازد سپس با بررسی نکات مشابه در مورد نحوه تکوین قرارداد کنسرسیوم، نتیجه‌گیری‌هایی را عرضه خواهد کرد.

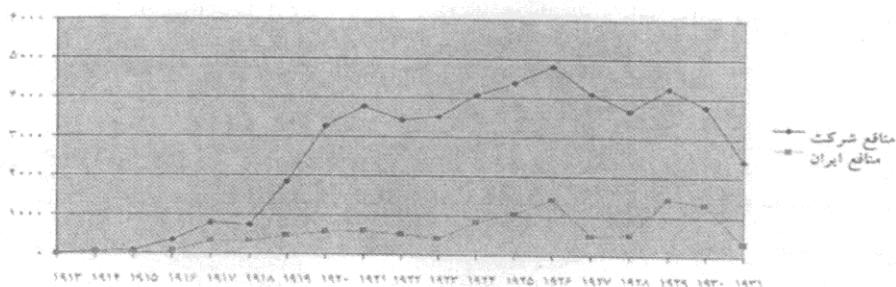
### زمینه و زمانه انعقاد قرارداد امتیازنامه داری

امتیاز داری با مساعدت آرتور هاردینگ، وزیرمختار وقت بریتانیا در تهران به آلفرد ماریوت، نماینده داری واگذار شد. اما با نهای شدن قرارداد از آنجایی که دولت انگلیس درصدد تبدیل سوخت کشتیهای جنگی خود از زغال سنگ به نفت بود در نتیجه امتیاز داری به توافق‌نامه‌ای بین‌المللی بدل گشت. هنگام وقوع جنگ جهانی اول در ۱۹۱۴ حدود شش سال از فوران نفت در مسجد سلیمان سپری می‌شد و ناتوانی داری در تدبیر امور امتیازنامه سرانجام موجب شد تا دولت انگلستان در این سال در معامله‌ای به ارزش دویست هزار لیره ۵۱ درصد از سهام شرکت نفت ایران و انگلیس را خریداری کند و بدین ترتیب تقاضای نیروی دریایی خود را برای تأمین نفت مطمئن و ارزان برای مدتی طولانی برآورده سازد.

معامله مذکور با اعتراض شدید دولت ایران روبه‌رو شد و افرادی از مردم آگاه به سیاست و آزادی‌خواهانی نظیر شیخ محمد خیابانی را به واکنش وادار ساخت. مرحوم خیابانی در یکی از سخنرانیهای خود با خدعه‌آمیز و خائنانه خواندن معامله مذکور تصریح کرد: دولت انگلستان هیچ‌گاه توفیق نمی‌یافت چنین امتیازی را مستقیم از دولت ایران به دست آورد و بنابراین داری را به میدان آورد تا بدین ترتیب، صورت شوم امپریالیزم را پشت سر او پنهان دارد. البته دولت انگلیس همواره در پاسخ به این اعتراضات مدعی می‌شد که این معامله فقط ترتیبی برای فروش نفت است و دولت انگلستان نه در اداره و نه در روابط تجاری و سیاسی شرکت با دولت ایران دخالتی نخواهد داشت. در همین حال، این معامله که مقارن با ساخت کشتیهای مدرن نفت سوز از سوی انگلستان و بیشتر برای رفع نیازهای ناوگان نظامی آن کشور صورت

می‌گرفت در عین حال موجب شد انگلیس در مقابل رقیبان خود در ایران آسیب‌پذیر شود و به همین دلیل در میانه جنگ جهانی اول، مأموران آلمانی و ترک با تحریک اعراب و بختیارهای غرب و جنوب غرب ایران، به لوله‌ها و تأسیسات نفتی (که در واقع متعلق به انگلیس بود) حمله کنند. هرچند مطابق محاسبات حساب‌رسانی که از سوی دولت ایران مسئول رسیدگی به زیان انگلیس از این حوادث شده بودند کل خسارت انگلیسها از این رهگذر به بیش از بیست هزار لیره بالغ نمی‌شد اما همین امر بهانه‌ای برای انگلیس شد تا از پرداخت ۱۶ درصد حق‌الامتیاز ایران خودداری ورزد. این امر موجب بروز اختلافاتی شد که سرانجام ایران در سال ۱۹۲۰ برای حل اختلاف، قرارداد موسوم به آرمیتاژ - اسمیت را امضا نمود. هر چند بر اساس این قرارداد شرکت نفت ایران - انگلیس ادعای خود را مبنی بر دریافت خسارت قطع لوله‌های نفتی پس گرفت! و حاضر به پرداخت یک میلیون لیره بابت اختلاف محاسبات حق‌الامتیاز شد اما این مابه‌التفاوت در برابر امتیازات جدیدی که انگلستان بویژه طی مواد ۳ و ۴ مبنی بر دریافت تخفیفها پیش از احتساب منافع خالص برای تخصیص ۱۶ درصد حق امتیاز ایران به دست آورد، بسیار ناچیز بود. سرانجام، آن چنان که فریدون فشارکی نیز می‌نویسد «صنعت نفتی که از امتیاز داری نشأت گرفت نه ارتباطی با اقتصاد ایران داشت و نه تأثیر چندانی در مخارج اقتصادی کشور بازی کرد. این صنعت نفت که در راستای منافع خارجیان بود به امور اقتصادی ایران توجهی نداشت و شاید تنها سود این صنعت در ابتدا درآمد بسیار ناچیزی بود که برای دستگاه دولت ایجاد می‌کرد.»<sup>۳</sup> این در حالی بود که به نوشته خبرگزاری رویترز: «نفت ایران ۷۵ درصد از دستگاههای صنعتی و وسایل نقلیه امپراتوری انگلستان را به گردش درمی‌آورد و روزی که این معادن تعطیل شود به همان نسبت نیروی دریایی و هوایی انگلستان نیز تعطیل خواهد شد.»<sup>۴</sup>

جدول ذیل منافع ایران و انگلستان را در منابع نفتی ایران طی سالهای ۱۹۱۳-۱۹۳۱ به صورت مقایسه‌ای نشان می‌دهد: (ارقام به هزار لیره است)



خلاصه‌ای از جزییات قرارداد نفتی داری که در هجده ماده<sup>۵</sup> تدوین یافت، بدین

ترتیب عرضه می‌شود:

### نگاهی به تعهدات حقوقی طرفین

دوره زمانی قرارداد

ماده ۱) دولت ایران امتیاز نفتی داری را برای مدت شصت سال در سال ۱۲۸۰ (۱۹۰۱م) به داری اعطا نمود که در عین حال مطابق ماده ۱۶، در صورت عدم تأسیس شرکتی از سوی صاحب امتیاز پس از گذشت دو سال، امتیاز فاقد اعتبار می‌شد. در این توافق‌نامه و بر مبنای مواد ۱۷ و ۱۸ قرار شد اختلافات بر سر قرارداد با قضاوت دو نفر حکم منتخب از سوی طرفین یا با مشارکت حکم ثالث رفع گردد و متن فرانسوی امتیاز به هنگام اختلاف مورد قضاوت قرار بگیرد.

### مالکیت اکتشاف

ماده ۱ و ۶) حق تفحص، استخراج و حمل و نقل و فروش نفت، گاز طبیعی، قیر و موم طبیعی در سراسر ایران به استثنای گیلان، آذربایجان، مازندران، خراسان و استرآباد به صاحب امتیاز داده شد و در ماده ۸ تصریح شد تا صاحب امتیاز در عملیات کشف تعطل نرزد.

### مالکیت مخزن

ماده ۳) دولت ایران حق استفاده از اراضی دولتی به طور مجانی و حق خرید عادلانه اراضی دایر دولتی و دیگر اراضی غیردولتی جز اماکن مقدس و تاریخی را به صاحب امتیاز واگذار کرد و صاحب امتیاز مالک کلیه مخازن نفتی تحت حوزه عملیاتی خود بود.

### مالکیت تأسیسات

ماده ۲) صاحب امتیاز مالک تمام تأسیسات مربوط به عملیات محسوب می‌شد. همچنین حق انحصاری لوله‌کشی و... از محل استخراج به منطقه خلیج فارس و نیز حق بنای چاه‌های نفت، تأسیس کارخانه و... به شرکت داده شد.

### پرداخت‌های متقابل

ماده ۱۰) شرکت موظف شد سالیانه ۱۶ درصد منافع خالص خود را به دولت ایران اختصاص دهد و بیست هزار لیره نقد و بیست هزار لیره سهام به محض تأسیس اولین شرکت از طرف صاحب امتیاز به دولت پرداخت نماید. در همین حال، مطابق ماده ۴ به علت دایر بودن معادن نفت شوشتر، قزوین و دالکی بندر بوشهر که متعلق به دیوان

همایونی بود ضمیمه شدن آنها به قرارداد منوط به پرداخت سالیانه ۱۶ درصد از مبلغ دو هزار تومان جمع دیوانی آنها از سوی صاحب امتیاز گردید.

### تسهیلات به صاحب امتیاز

ماده ۹) دولت ایران اجازه تأسیس شرکتها جهت بهره‌وری از امتیاز را به شرط گزارش به دولت به صاحب امتیاز داد. این شرکتها نیز مشمول تمامی امتیازات و تعهدات صاحب امتیاز شدند. معافیت از پرداخت مالیات و حقوق گمرکی تمامی اراضی، وسایل، تجهیزات و تولیدات از دیگر امتیازاتی بود که به شرکت داده شد.

### حقوق دولت

ماده ۱۱) قرار شد پس از انقضای امتیاز، دولت مالک تمامی متعلقات مربوط به صاحب امتیاز شود. همچنین حق تعیین یک نماینده جهت کسب اطلاع از روند کار و پرداخت حقوق سالیانه هزار لیره وی از طرف صاحب امتیاز برای دولت ایران در نظر گرفته شد و در قرارداد کلیه کارکنان، رعیت شاه نامیده شدند.

### وظیفه صاحب امتیاز

ماده ۸) صاحب امتیاز متعهد شد تعللی در امر تفحص و حفر چاپ صورت ندهد.

### وظیفه دولت

ماده ۱۴) دولت متعهد شد امنیت لازم را جهت اجرای قرارداد فراهم نماید. جدول ذیل اصلی‌ترین تعهدات متقابل ایران و شرکت نفت ایران و انگلیس را نشان می‌دهد:

| شرکت نفت ایران و انگلیس<br>(Investor) | ایران<br>(House Government)                                   |                    |
|---------------------------------------|---|--------------------|
| *                                     |   | مالکیت مخزن نفت    |
| *                                     |   | مالکیت تأسیسات     |
| *                                     |   | مالکیت نفت تولیدی  |
| *                                     |   | بازاریابی          |
| *                                     |   | حق اکتشاف          |
| *                                     |   | حق بهره برداری     |
| ۸۴ درصد از منافع خالص و مابقی مزایا   | ۱۶ درصد از منافع خالص<br>۲۰ هزار لیره نقد و ۲۰ هزار لیره سهام | پرداختهای متقابل   |
| ۶۰ سال                                |   | دوره زمانی قرارداد |

زمینه و زمانه قانون امتیاز نفت به شرکت نفت انگلیس و ایران (مصوب ۱۳۱۲/۳/۷)

با گذشت بیش از دو دهه از انعقاد قرارداد داری، زمزمه‌هایی در مورد لزوم تجدیدنظر در قرارداد مذکور در محافل داخلی و خارجی منتشر شد و در نهایت دولت انگلستان را ناگزیر ساخت تا سهم ایران را از سود خالص سالیانه ۶ درصد به ۲۰ درصد افزایش و حوزه عملیات نفتی را نیز به ۲۵ درصد تقلیل دهد. همچنین به پیشنهاد آنها انحصار لوله‌کشی به خلیج فارس از اختیار شرکت خارج شد. اما زمانی که مذاکره نسبت به این موضوع ادامه داشت در سال ۱۹۳۱ حق امتیاز ایران به حدود ۳۰۷ هزار لیره تقلیل یافت در حالی که در سال ۱۹۳۰ سهم ایران حدود چهار برابر این میزان بود. این کاهش چشمگیر در شرایطی بود که تولید نفت شرکت در سال ۱۹۳۱ بسیار بیشتر از تولید آن در سال ۱۹۳۰ بود. از آنجایی که تأمین هزینه‌های مالی توسعه کشور در نتیجه وقوع رکود جهانی طی سالهای ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۱ و کاهش پرداختهای شرکت نفت ایران و انگلیس با بحران مواجه شده بود و تأمین این هزینه‌ها با بحرانهای مالی جدید ناسازگار به نظر می‌رسید، رضاخان در پایان یکی از جلسات هیأت وزیران در ۱۶ نوامبر ۱۹۳۲ تأکید کرد که دیگر قرارداد نفت ایران با شرکت ایران و انگلیس فایده‌ای ندارد و این قرارداد باید لغو شود.<sup>۱</sup> در واکنش به این تصمیم، دولت انگلیس در ۱۴ دسامبر ۱۹۳۲ شکواییه‌ای علیه ایران به سازمان ملل تسلیم کرد. اما سرانجام قرار شد با توافق طرفین مسئله حل گردد. حاصل این مذاکرات و توافقات، انعقاد قراردادی بود که در ماه مه سال ۱۹۳۳ به تصویب مجلس رسید که حاکی از ادامه فعالیت شرکت انگلیسی بود. هر چند درباره تفاوت این قرارداد نسبت به قرارداد داری عده‌ای معتقد بودند که حوزه عملیات کمپانی از چهارصد هزار مایل مربع به یکصد هزار مایل مربع کاهش یافت، حق انحصاری لوله‌کشی به خلیج فارس از کمپانی سلب شد، سهم ایران از ۱۶ درصد به ۲۰ درصد ارتقاء یافت و همچنین کمپانی موظف به پرداخت سالیانه ده هزار لیره برای اعزام محصلین ایرانی به خارج و جای‌گزینی تدریجی کارکنان ایرانی به جای کارکنان خارجی شد؛ اما در واقع باید قرارداد ۱۹۳۳ را تداوم امتیاز داری دانست و حتی آن را در وضعیتی بدتر از آن قرارداد ارزیابی کرد چرا که بر اساس این قرارداد، کمپانی و شرکتهای تابعه از پرداخت کلیه مالیاتهای گمرکی معاف شدند. ضمن اینکه در این قرارداد که تا سی سال دیگر نیز تمدید شده بود کمپانی ملزم نبود حتی یک سنت از درآمد حاصل از فروش را به پول ایران تبدیل کند و حق لغو امتیاز نیز برای ایران به کلی از بین رفت.

خلاصه، توافقات صورت گرفته در این قرارداد که در قالب ۲۷ ماده ارائه گردید تحت عناوین ذیل مورد بررسی قرار گرفته است.

## نگاهی به تعهدات حقوقی طرفین

### دوره زمانی قرارداد

ماده ۲۶) دولت ایران به شرکت نفت ایران و انگلیس برای مدت شصت سال، تا ۳۱ دسامبر ۱۹۹۳ امتیاز استخراج نفت را واگذار کرد و بر اساس ماده ۲۲ قرار شد هر نوع اختلاف میان طرفین با انتخاب حکم مرضی الطرفین حل گردد که در صورت عدم توافق بر سر انتخاب حکم، رئیس دیوان داوری بین‌المللی این انتخاب را انجام خواهد داد و در هر صورت این حکم نباید تابع انگلیس یا ایران باشد.

### مالکیت اکتشاف

ماده ۱ بند ب و ج) حق انحصاری تفحص، استخراج و تصفیه و هر نوع عمل مربوط به نفت در زمین حداکثر صد هزار مایل مربع انگلیسی به شرکت ایران و انگلیس داده شد.

### مالکیت مخزن

ماده ۲ بند ج و ماده ۴) مالکیت همه مخازن و چاههای نفت مندرج در قرارداد به کمپانی اعطا شد.

به تبع آن حق استفاده از زمینهای بایر متعلق به دولت به طور مجانی و خرید با قیمت عادلانه اراضی دایر دولتی و اراضی غیردولتی برای تفحص و نیز حق غیرانحصاری در استفاده از خاک، شن، سنگ و هر زمین بایر دولتی در حوزه امتیاز نیز به این کمپانی داده شد. اماکن مقدس و تاریخی از حوزه قرارداد مستثنی شد.

### مالکیت تأسیسات

ماده ۵) حق غیرانحصاری حمل و نقل نفت و ساخت لوله‌های انتقال و... و مالکیت کلیه تأسیسات مربوط به کشف و استخراج و... به کمپانی داده شد. همچنین حق احداث خط آهن، بندر، توسعه ارتباط تلفنی و... با اجازه دولت برای کمپانی در نظر گرفته شد.

### پرداخت به دولت

ماده ۱۰) مقرر شد کمپانی علاوه بر پرداخت چهار شیلینگ برای هر تن نفت تولیدی، مبلغی معادل ۲۰ درصد اضافه بر ۶۷۱۲۵۰ لیره را به صاحبان سهام عادی کمپانی بپردازد که مجموع دو مبلغ فوق نباید کمتر از ۷۵۰ هزار لیره باشد. در صورت

انقضا یا ترک امتیاز، ۲۰ درصد مبلغ کل ذخایر و وسایل منقول حاصل از تفاضل میان سال قرارداد تا سال انقضا یا ترک امتیاز به دولت تعلق می‌گیرد. در پانزده سال اول پرداخت ۹ پنس بابت هر تن از شش میلیون بشکه و شش پنس بابت هر تن اضافه از این رقم و در پانزده سال بعد یک شیلینگ بابت هر تن و ۹ پنس بابت هر تن اضافه آن به دولت داده می‌شود. قرار شد برای جلوگیری از امکان توجه ضرر به دولت در موقع ترقی و تنزل قیمت پول انگلیس، قیمت‌های جدید لحاظ شود. (جزئیات این تغییرات در ماده ۱۰ متن قرارداد آمده است).

### تسهیلات به کمپانی

ماده ۶، ۷ و ۱۱ کمپانی حق وارد کردن تمام تجهیزات دارویی و وسایل مورد نیاز مستخدمین بدون تحصیل جواز اما با پرداخت حقوق گمرکی را دارد. نیز اعطای حق ورود هرگونه وسایل مربوط به عملیات تولید بدون تحصیل جواز و پرداخت حق گمرکی و معافیت از هرگونه مالیات در سی سال اول به اضافه معافیت کلی صادرات نفتی از مالیات از دیگر امتیازاتی بود که به کمپانی اعطا گردید.

### وظیفه دولت

دولت متعهد گردید با هیچ قانون عمومی و خصوصی و هیچ یک از دستورات و نظامات اداری امتیاز را تغییر نداده و لغو نکند. جدول ذیل اصلی‌ترین تعهدات متقابل ایران و شرکت نفت ایران و انگلیس را در قرارداد ۱۹۳۳ نشان می‌دهد:

| شرکت نفت ایران و انگلیس<br>(Investor)                                | ایران<br>(House Government) |                    |
|--|-----------------------------|--------------------|
| *  |                             | مالکیت مخزن نفت    |
| *  |                             | مالکیت تأسیسات     |
| *  |                             | مالکیت نفت تولیدی  |
| *  |                             | بازاریابی          |
| *  |                             | حق اکتشاف          |
| *  |                             | حق بهره برداری     |
| به شرح قرارداد   | به شرح قرارداد              | پرداخت‌های متقابل  |
| ۶۰ سال از سال ۱۹۳۳ همراه با پیش‌بینی حق لغو از سوی طرفین در سال ۱۹۶۱ |                             | دوره زمانی قرارداد |



## پیشینه تاریخی و تعهدات حقوقی متقابل ایران و اعضای کنسرسیوم

زمینه و زمانه انعقاد قرارداد کنسرسیوم

قرارداد کنسرسیوم را که در سال ۱۳۳۳ش ۱۹۵۴م به تصویب ایران رسید از یک منظر باید نقطه پایانی کشمکشهایی دانست که دست کم حدود یک دهه بر روابط خارجی ایران با شرکتهای و کشورهای غربی و از جمله انگلستان و شرکت نفت ایران و انگلیس بر سر تقسیم درآمدهای نفتی سایه افکنده بود. این کشمکشها که ایران و انگلستان را حتی تا آستانه رویارویی نظامی کشانده بود سرانجام به کودتای امریکایی - انگلیسی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ منجر شد. با وجود این، راه حل نهایی مسئله نفت ایران این بود که شرکتهای بزرگ نفتی گردهم آیند و گروه بزرگ و نیرومندی را به عنوان کنسرسیوم تشکیل دهند. این تمهید هر چند راه سیطره همه جانبه و مجدد شرکت نفت ایران و انگلیس بر منابع نفت ایران را برای همیشه مسدود ساخت؛ اما از سوی دیگر پای شرکتهای نفتی امریکا را به طور جدی به عرصه نفت ایران باز کرد. قرارداد کنسرسیوم در زمانی به امضا رسید که اضافه تولید کشورهای دیگر خاورمیانه به تدریج جایگزین نفت ایران شده بود و بنابراین بازگشت نفت ایران به چرخه تولید به معنای پذیرش یکی از دو گزینه کاهش قیمتها و یا کاهش تولید دیگر صادرکنندگان جهانی نفت بود. در همین حال، غولهای نفتی بر این باور بودند که راه حل نهایی برای حل مسئله نفت ایران لزوماً نباید شرایطی بهتر از آن باشد که دولتهای خاورمیانه تا آن زمان از آن برخوردار بودند چرا که در غیر این صورت کشورهای نفت خیز منطقه نیز می کوشند از رهگذر ملی کردن نفت، امتیازات جدیدی را از شرکتهای و دولتهای غربی کسب خواهند کرد. فرمول حقوقی پذیرفته شده طرفین برای تدوین قرارداد کنسرسیوم این بود که اعضای کنسرسیوم به عنوان خریداران نفت و با تأسیس دو شرکت متولی اکتشاف و تصفیه موسوم به «شرکتهای عامل» قراردادی را با شرکت ملی نفت ایران به امضا می رسانند که به موجب این قرارداد شرکت ملی نفت ایران، نفت خام استحصالی از سوی شرکت عامل اکتشاف و تولید در حوزه قرارداد کنسرسیوم را بر سر چاه به اعضای کنسرسیوم می فروخت. مطابق قرارداد کنسرسیوم مقرر شد چهل درصد از سهام کنسرسیوم به شرکت نفت ایران و انگلیس، چهل درصد به صورت متساوی بین پنج شرکت امریکایی گالف اویل، استاندارد اویل کمپانی، استاندارد اویل نیوجرسی، مویبل (سوکونی و اکیوم) و تگزاکو و از بیست درصد بقیه نیز ۱۴ درصد به شرکت هلندی - انگلیسی رویال داچ شل و ۶ درصد نیز به شرکت نفت فرانسه واگذار شود. بر اساس این قرارداد، اعضای کنسرسیوم می توانستند به ترتیب مقرر و به نوبت نفت را در بنادر ایران به قیمت فوب به فروش رسانند. قیمت فوب از سوی کنسرسیوم بر اساس قیمت

نفت مشابه خلیج فارس تعیین و اعلام می‌شد. قرارداد مذکور تفاوت بین قیمت اعمال شده و هزینه استحصال نفت را درآمد ویژه تلقی می‌کرد و ۵۰ درصد آن به عنوان مالیات به دولت ایران پرداخت می‌شد.

یادآوری می‌شود که شرکت ملی نفت ایران در برابر فروش نفت خام به اعضای کنسرسیوم، وجوهی دریافت می‌کرد که در قرارداد «پرداخت مشخص» ( Stated Payment) عنوان شده بود. این پرداخت مشخص که معادل یک هشتم بهای نفت خام بود به موجب قرارداد اصلی کنسرسیوم جزو مالیات محسوب می‌شد و در نتیجه آخر هر سال از حساب مالیات دولت کسر می‌گردید به طوری که درآمد ایران در مجموع از ۵۰ درصد درآمد ویژه کنسرسیوم تجاوز نمی‌کرد. هر چند قرارداد کنسرسیوم در ظاهر، ملی شدن صنعت نفت ایران را پذیرفته تلقی می‌کرد و شرکت‌های عامل، تصدی عملیات را به نمایندگی از ایران برعهده داشتند؛ اما نگاهی به وسعت حوزه عملیات که تقریباً معادل حوزه امتیازی پیش از ملی شدن صنعت نفت بود<sup>۱</sup> و دیگر شرایط قرارداد نشان می‌دهد که این قرارداد از بسیاری جهات تفاوت چندانی با سایر قراردادهای موجود تا آن زمان نداشت. قراردادهایی که با کشورهای نفت‌خیز منعقد می‌شد. درآمد ایران نیز در آن قرارداد به همان میزانی پیش‌بینی شده بود که به دیگر کشورهای صاحب منابع نفتی تعلق می‌گرفت بدون آنکه نفت خود را ملی اعلام کنند.

### نگاهی به تعهدات حقوق طرفین

#### مالکیت مخزن نفت

ماده ۴، جزء الف، بند ۱) اعطای حقوق و اختیارات لازم برای اکتشاف از طریق زمین‌شناسی، ژئوفیزیکی و طرق دیگر به انضمام حفر چاه به منظور تعیین شرایط زمین‌شناسی قشرهای تحتانی و حفاری و تولید و استخراج و برداشت نفت خام و گاز و گرداندن دستگاههای تقطیر میدان نفت به شرکت اکتشاف و تولید.

ماده ۴، جزء ب) اعطای حق ایجاد تغییرات و بهره‌گیری از تأسیسات موجود و به طور کلی هر عملی که برای ایفای وظایف شرکت‌های عامل لازم باشد به شرکت‌های مذکور.

ماده ۴، جزء و، بند ۱: لزوم انطباق عملیات شرکت‌های عامل با «روش خوب صنعت نفت و تبعیت از اصول صحیح مهندسی در حفاظت ذخایر هیدروکربور در اداره فنی میدان نفتی و پالایشگاهها و در اقدامات مربوط به آماده کردن به طرقی که در عملیات مشابه متداول و معمول است.»

ماده ۴، جزء و، بند ۲) «انجام عملیات اکتشاف تا حدودی که از لحاظ اقتصادی

موجه باشد به منظور اینکه ذخیره کافی به مقدار متناسب با میزان تولید نفت در ناحیه عملیات تأمین گردد.»

#### رابطه با نفت تولیدی

ماده ۱، جزء ط) «نفت خام» عبارت است از نفت خام طبیعی، آسفالت و کلیه هیدروکربورهای مایع به حالت طبیعی یا آنچه از طریق فشردن گاز یا سوا کردن از گاز طبیعی به دست می‌آید.

ماده ۴، جزء الف، بند ۲) «شرکت تصفیه، حقوق و اختیارات لازم را برای اجرای عملیات زیر خواهد داشت. تصفیه و به عمل آوردن نفت خام و گاز طبیعی محصول شرکت اکتشاف و تولید تصفیه و تصفیه مشتقات و محصولات دیگر با همین مواد یا به وسیله اختلاط آنها با مواد دیگر، انبارداری و بسته‌بندی و حمل و نقل و تحویل نفت خام و گاز طبیعی و مشتقات به محصولات دیگر با جمیع وسایل به انضمام وسایل بارگیری کشتی.»

ماده ۱۰، جزء الف) اعطای «حق مصرف» و استفاده بلاعوض از نفت تولیدی و محصولات نفتی تصفیه شده به شرکتهای عامل برای تداوم عملیات.

ماده ۱۲) «شرکت اکتشاف و تولید حق خواهد داشت با رعایت شرایط و مقرراتی که کتباً بین شرکت ملی نفت ایران و اعضای کنسرسیوم توافق شود نفت تقطیر شده و تفاله آن و یا هر دو را از دستگاههای تقطیر میدان نفت به میزانی که شرکت تصفیه تقاضا کند به مخازن نفتی زیرزمینی بازگرداند.»

ماده ۱۴، جزء الف و جزء ب) الزام مشروط دو شرکت اکتشاف و تولید و شرکت تصفیه به تحویل هر نوع محصول نفتی یا مشتقات آن و همچنین مشتقات نفتی تصفیه شده که برای عملیات شرکتهای عامل لازم نیست و شرکت ملی نفت ایران به آن نیاز دارد.

ماده ۱۸، جزء الف) الزام شرکت ملی نفت ایران به فروش نفت و گاز محدوده عملیات به اعضای کنسرسیوم و یا شرکتهای بازرگانی وابسته به آنان.

ماده ۱۸، جزء د، بند ۳) اعطای مالکیت نفت خام و گاز طبیعی از سوی شرکت ملی نفت ایران به شرکتهای بازرگانی بر سر چاههای حوزه عملیات.

ماده ۱۹) «جمع مقدار نفت خامی که شرکت اکتشاف و تولید و استخراج می‌کند علاوه بر آن مقدار که برای محصولات نفتی لازم است و آن مقدار که به صورت نفت خام منحصراً برای عملیات شرکت اکتشاف و تولید و نیز برای جبران ضایعات ضمن عملیات لازم است، مرکب از ارقام ذیل خواهد بود:

بند ۱: مقداری که برای تهیه مواد نفتی و مشتقات آن جهت مصرف داخلی ایران مورد احتیاج شرکت ملی نفت ایران است.

بند ۲: مقداری که (در صورت لزوم) طبق مقررات ماده (۲۳) این قرارداد به صورت نفت خام برای شرکت ملی نفت ایران مورد نیاز است.

بند ۳: مقداری که شرکتهای بازرگانی به طریقی که شرکتهای مزبور تعیین می‌نمایند لازم دارند.»

ماده (۲۱) تعیین و تضمین حداقل میزان تولید و صادرات نفت ایران از سوی کنسرسیوم طی سال‌های ۱۹۵۵-۱۹۵۷ به شرح ذیل:

«اعضای کنسرسیوم ضمانت می‌کنند که حجم ذیل را تولید کنند:

در سال ۱۹۵۵، ۱۷۵۰۰ متر مکعب، در ۱۹۵۶، ۲۷۵۰۰ متر مکعب و در سال ۱۹۵۷، ۳۵ میلیون متر مکعب، پس از سال سوم مقدار تولید شده را باید با جریان عرضه و تقاضای نفت خاورمیانه تعدیل شود.»

#### رابطه با تأسیسات تولید و فرآوری

ماده ۶، جزء الف) اجازه استفاده از تأسیساتی که در تاریخ اجرای قرارداد در ناحیه عملیات وجود دارند به شرکتهای عامل.

ماده ۶، جزء ب و ماده ۶، جزء ه، بند ۱ و ۲) واگذاری مالکیت تأسیسات جدید یا اضافی یا تعویضی از سوی شرکتهای عامل در پایان عملیات در قبال دریافت هزینه‌های تجهیزات نصب شده به صورت اقساط متساوی ده ساله.

ماده ۱۷، جزء ب) الزام شرکت ملی نفت ایران به حفظ و نگهداری تأسیسات غیرصنعتی موجود در منطقه مورد عملیات، نظیر منازل، راه‌ها، تأسیسات بهداشتی، فروشگاه‌ها، رستورانها و انبارها.

ماده ۱۷، جزء د، بند ۱) مکلف بودن شرکت ملی نفت ایران به تأمین نیمی از سرمایه لازم برای انجام «هزینه‌های سرمایه‌ای مجاز» برای ایجاد تأسیسات عملیات غیرصنعتی.

#### پرداختهای متقابل

ماده ۱، جزء ن) «بهای اعلان شده نفت خام ایران:

۱. در مورد نفت خام که برای صدور از ایران بار کشتی نفت‌کش شده باشد عبارت است از قیمت فوب کشتی نفت‌کش در مرکز نهایی ساحلی و آن قیمتی است که شرکت بازرگانی یا وابسته آن، نفت خام برابر آن را چه از حیث جنس و چه از لحاظ

وزن مخصوص به منظور فروش و تحویل به خریداران عموماً تحت شرایط مشابه و در همان مرکز نهایی ساحل عرضه می‌دارد.

۲. در مورد نفت خام تحویلی به پالایشگاه عبارت است از قیمت نفت خام مشابه آن، چه از حیث جنس و چه از لحاظ وزن مخصوص که به شرح فوق فوب کشتی در بندر پالایشگاه برای فروش عرضه شود منهای مبلغی (حداکثر هشت پنس برای هر متر مکعب) که به طور عادلانه و منصفانه به عنوان هزینه بارگیری نفت خام در بندر پالایشگاه مزبور قابل احتساب باشد.»

ماده ۱ جزء س) «بهای اعلان شده مربوطه در مورد نفت خام ایران عبارت است از بهای اعلان شده خاصه هر یک از شرکتهای بازرگانی یا شرکت وابسته آن برای این قبیل نفت خام در تاریخ صدور یا در موقع تحویل به پالایشگاه بر حسب مورد.»

ماده ۱۱، جزء الف) اعطای اجازه برداشت بدون پرداخت وجه گاز طبیعی به شرکت اکتشاف و تولید از سوی شرکت ملی نفت ایران.

ماده ۱۱، جزء ب، بندهای ۱ و ۲) الزام شرکت تصفیه به پرداخت ۵ درصد قیمت گاز تولیدی به شرکت ملی نفت ایران.

ماده ۱۳) الزام شرکت ملی نفت ایران به پرداخت یک شیلینگ برای استخراج هر متر مکعب از نفت خام و پرداخت یک شیلینگ برای تصفیه هر متر مکعب به شرکتهای عامل به انضمام پرداخت سایر هزینه‌های این دو شرکت نظیر هزینه‌های اداری، عمومی، تأسیسی، استهلاک و...

ماده ۱۶) الزام شرکت ملی نفت ایران به پرداخت هر دوره سه ماهه بدهی تخمینی به شرکتهای عامل (طبق مواد ۱۴ و ۱۵) حداکثر تا پانزده روز پس از دریافت صورت حساب شرکتهای عامل که بر اساس «هزینه‌های جاری» آنان تنظیم شده است.

ماده ۱۷، جزء د، بند ۱) الزام شرکت ملی نفت ایران به پرداخت نیمی از «هزینه‌های سرمایه‌ای مجاز» برای ایجاد تأسیسات غیرصنعتی در قالب ده قسط متساوی سالیانه.

ماده ۱۷، جزء ه، بند ۲) الزام شرکتهای عامل به پرداخت بدهیهای علی‌الحساب به صورت ماهیانه و تصفیه حساب نهایی سالیانه بر اساس صورت حسابی که شرکت ملی نفت ایران در ظرف سه ماه پس از انقضای آن سال، تسلیم شرکتهای عامل خواهد کرد. ماده ۱۷، جزء و) منظور شدن همه هزینه‌های استهلاک تأسیسات غیرصنعتی به حساب هزینه‌های جاری شرکتهای عامل (در نتیجه تحمیل این هزینه‌ها به شرکت ملی نفت ایران).

ماده ۲۲، جزء الف) تعیین رقم ۱۲/۵ درصد قیمت اعلان شده (معادل یک هشتم بهای نفت خام) به عنوان «پرداخت مشخص» هر یک از اعضای کنسرسیوم به شرکت

ملی نفت ایران.

ماده ۲۳) حق شرکت ملی نفت ایران برای اخذ «پرداخت مشخص» به صورت جنسی و در قالب نفت خام.  
 ماده ۲۸، جزء ب) لحاظ شدن «پرداختهای مشخص» ذیل مالیات بر درآمد اعضای کنسرسیوم (در نتیجه کسر شدن پرداختهای مشخص از حساب مالیات دولت در آخر سال که پیامد آن نیز محدود ماندن درآمد ایران به ۵۰ درصد حاصل از مالیات بود).  
 ماده ۳۰، جزء الف) تعیین لیره استرلینگ به عنوان واحد ارزی معتبر برای کلیه پرداختهای کنسرسیوم و شرکتهای عامل به ایران.

### سایر تکالیف متقابل

ماده ۳) اعضای کنسرسیوم یک شرکت اکتشاف و تولید و یک شرکت تصفیه به نام شرکتهای عامل بر طبق قوانین کشور هلند تأسیس می کنند و متعهد می شوند که این قرارداد را به امضای شرکتهای عامل برسانند؛ این شرکتها باید در ایران به ثبت برسند و هیأت مدیره هر شرکت باید از هفت نفر عضو تشکیل شود که دو نفر از آنها را شرکت ملی نفت ایران تعیین خواهد کرد. ضمن این که پرداخت هزینهها و حق الزحمه مربوط به حضور مدیران شرکتهای عامل به شرکت ملی نفت ایران واگذار می شود.

ماده ۴، جزء ز، بندهای ۱ و ۲ و ۳ و همچنین جزء ح، بندهای ۱ و ۲) در صورت عدم پذیرش اطلاعات و حسابرسی عادی حسابهای شرکت از سوی شرکت ملی نفت ایران، حق دستیابی به اطلاعات شرکتهای عامل و اجازه حسابرسی مستقل به این شرکت از محل هزینههای خود داده می شود، به نحوی منجر به عدم پیشرفت و تداخل در روند شرکتهای عامل نشود.

ماده ۵، جزء ب، بند ۱) اعطای حق اکتشاف به شرکت ملی نفت ایران در شرایطی که شرکت عامل اکتشاف و تولید، عملیات در برخی از حوزهها را مقرون به صرفه تشخیص ندهد اما شرکت ملی نفت ایران بر مقرون به صرفه بودن آن اصرار داشته باشد.

ماده ۷) حق استفاده مانع للغير از اراضی عملیات برای شرکتهای عامل.

ماده ۹) حق استفاده از انواع معادن خاک، شن، آهک، سنگ گچ و سایر مصالح برای شرکتهای عامل با رعایت حقوق اشخاص حقیقی و حقوقی ثالث که طرف قرارداد نیستند.

ماده ۱۷، جزء ز) الزام شرکت ملی نفت ایران به ارائه حسابهای عملیات غیرنفتی در صورت درخواست شرکتهای عامل.

ماده ۲۸، جزء الف و د) معافیت شرکتهای عامل و شرکتهای بازرگانی از مالیاتهای گمرکی و همچنین معافیت مالیاتی سود سهام شرکتهای مذکور در ایران. ماده ۳۶) اعطای «آزادی کامل» به کارمندان و خانواده‌های کارمندان شرکتهای عامل و شرکتهای بازرگانی برای رفت و آمد و حمل اثاثیه و آلات و ادوات چه در داخل ناحیه عملیات و چه بین ناحیه عملیات و سایر نقاط ایران که شرکت مذکور در آن فعالیت می‌کند.

ماده ۳۸) واگذاری مسئولیت تمام تعهدات شرکت ملی نفت ایران به «ایران» در صورت از میان رفتن شرکت ملی نفت ایران و فقدان شخصیت حقیقی و حقوقی که تعهدات این شرکت را برعهده بگیرد.

ماده ۴۴) پیش‌بینی چگونگی حل اختلافات و ارجاع امر به داوری به انضمام تعیین متن انگلیسی به عنوان متن معتبر در صورت اختلاف در تأویل و تفسیر قرارداد.

#### دوره زمانی قرارداد

ماده ۱، جزء ث) تعیین مدت مصرح در قرارداد بر مبنای سالنمای شمسی و تعریف سال به صورت ذیل: «سال عبارت است از سال تقویمی که از اول ژانویه شروع می‌شود و دوره سه ماهه عبارت است از اول ژانویه، اول آوریل یا اول ژوئیه یا اول اکتبر» که طبق تقویم گریگوری محاسبه شده است.

ماده ۴۹، جزء الف، ب و ج) تعیین مدت ۲۵ سال از تاریخ اجرا به عنوان مدت قرارداد به همراه پیش‌بینی و اعطای حق تمدید سه دوره پنج ساله به کنسرسیوم از طریق اختطاریه شرکت اکتشاف و تولید که باید هم‌زمان با انقضای سال سوم دوره پنج ساله اضافی یا قبل از آن داده شود.

جدول ذیل اصلی‌ترین تعهدات متقابل ایران و اعضای کنسرسیوم را نشان می‌دهد:

| شرکت نفت ایران و انگلیس<br>(Investor)   | ایران<br>(House Government) |                    |
|---|-----------------------------|--------------------|
| *   |                             | مالکیت مخزن نفت    |
| *   |                             | مالکیت تأسیسات     |
| *   |                             | مالکیت نفت تولیدی  |
| *   |                             | بازاریابی          |
| *   |                             | حق اکتشاف          |
| *   |                             | حق بهره برداری     |
| ۵۰ درصد درآمد ویژه  | ۵۰ درصد درآمد ویژه          | پرداختهای متقابل   |
| ۲۵ سال همراه با پیش‌بینی سه دوره تمدید پنج ساله در صورت اختطاریه شرکت اکتشاف و تولید هم‌زمان با انقضای سال سوم دوره پنج ساله یا قبل از آن |                             | دوره زمانی قرارداد |

## نتیجه

این مقاله با بازخوانی و بررسی قراردادهای داری و کنسرسیوم بر اساس متن کامل این دو قرارداد سهم منافع ایران و انگلیس را در قراردادهای مذکور بررسی کرد. در مجموع به نظر می‌رسد برنده اصلی قراردادهای داری و کنسرسیوم دولت انگلستان و شرکت نفت ایران و انگلیس باشد. در مورد قرارداد داری آن گونه که اشاره شد دولت انگلستان توانست با صرف تنها هزینه‌ای معادل هزینه چند سال خرید نفت ایران، این نفت را تا چند دهه به تملک خود درآورد و میلیونها لیره نصیب خود سازد و در عین حال نیازهای ناوگان نظامی خود را نیز تا مدتها مرتفع سازد. بنا بر مندرجات کتابهای پنجاه سال نفت ایران و گنج شایگان، دولت انگلستان به واسطه قراردادی که با شرکت نفت ایران و انگلیس منعقد کرد توانست دو میلیون لیره سهام عادی و هزار لیره سهم ممتاز را از نفت ایران به خود تخصیص دهد که این میزان سهام با احتساب سهامی که نصیب کارکنان انگلیسی شرکت مذکور شد به بیش از چهار میلیون لیره سهم بالغ می‌شد. این میزان سهام در حالی بود که سهام دولت ایران از بابت قرارداد مذکور فقط بیست هزار لیره سهام بود.

در همین حال در مورد قرارداد کنسرسیوم که می‌توانست نقطه پایانی بر غارت منابع ایران از سوی انگلستان باشد، شرکت نفت ایران و انگلیس و دولت آن کشور در نتیجه این قرارداد نه فقط از پرداخت ۵۱ میلیون لیره (معادل ۱۴۲ میلیون دلار) که در صورت تصویب قرارداد الحاقی به ایران تعلق می‌گرفت، معاف شدند بلکه به موجب قرارداد کنسرسیوم، شرکت ملی نفت ایران نیز متعهد شد ۲۵ میلیون لیره به عنوان غرامت و بهای داراییهای مربوط به پخش و پالایشگاه کرمانشاه به شرکت نفت ایران و انگلیس بپردازد.

افزون بر این، شرکت نفت ایران و انگلیس موقوف شد در ازای شصت درصد سهمی که از نفت ایران در اختیار شرکای خود در کنسرسیوم قرار داده بود سرقفلی معادل ۲۱۴ میلیون لیره دریافت کند. از سوی دیگر نیز مقرر شد به مدت ده سال و هر سال شش میلیون و هفتصد هزار لیره در مجموع ۶۷ میلیون لیره به عنوان هزینه استهلاک تأسیسات مستهلک نشده حوزه قرارداد به شرکت نفت ایران و انگلیس از سوی اعضای کنسرسیوم پرداخت شود. بدین ترتیب نه فقط ادعای یک میلیارد دلاری انگلستان بابت خسارات ناشی از ملی شدن صنعت نفت محقق شد بلکه کنترل بر ۴۰ درصد از صادرات نفت ایران نیز در طول مدت قرارداد دوباره به انگلستان واگذار شد. آن چنان که بنجامین شوادران می‌نویسد: «سود شرکت نفت ایران و انگلیس از محل قرارداد کنسرسیوم به حدی بود که این شرکت در اقدامی سخاوتمندانه به سهامداران خود به نسبت هر سهم ثبت شده چهار سهم جدید جایزه داد و علت اقدام خود را نیز رشد ثروت شرکت به واسطه ایجاد ثبات در ایران اعلام کرد. این در حالی بود که دولت امریکا نیز رضایت خود را



از انعقاد قرارداد کنسرسيوم پنهان نمی کرد به گونه ای که دوايت ديوييد آيزنهاور، رئيس جمهوري وقت امريكا لازم دید تا شخصاً نه فقط از شاه ایران بلکه از لوی هندرسون، سفیر ایالات متحده در تهران به علت نقشی که در حل موفقیت آمیز این اختلاف داشت، تشکر و قدردانی کند.<sup>۱</sup> سرانجام اینکه اگرچه قرارداد کنسرسيوم در پی ملی شدن صنعت نفت ایران به امضای مقامات تهران رسید؛ اما این قرارداد از زوایای اعمال حاکمیت ملی، مدت قرارداد، نحوه تقسیم منافع و نادیده گرفته شدن حق مسلم ایران برای عملیات اکتشاف، استخراج و بهره برداری با آرمان ملی شدن صنعت نفت مغایر بود.

### منابع

۱. ....، مجموعه قوانین نفت، گاز و پتروشیمی ۱۳۸۱-۱۳۵۱، ج ۱، (تهران: انتشارات وزارت نفت، ۱۳۸۲).
۲. بنجامین شوادران، نفت؛ خاورمیانه و قدرت های بزرگ، ترجمه عبدالحسین شریفیان، (تهران: شرکت سهامی کتاب های جیبی و مؤسسه انتشاراتی فرانکلین، ۱۳۵۴).
۳. محمدعلی موحد، نفت ما و مسائل حقوقی آن، (تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۷).
۴. محمدعلی جمالزاده، گنج شایگان یا اوضاع اقتصادی ایران، برلین: ۱۳۳۵.
۵. ابوالفضل لسانی، نفت طلای سیاه یا بلای سیاه، (تهران: ۱۳۲۹).
۶. مصطفی فاتح، پنجاه سال نفت ایران، (تهران: پیام، ۱۳۵۸).
7. Masaud Ghaffari *Political Economy of Oil In Iran*, London: Book Extra, 2000.
8. Fereyduun Fesharaki, *Development of the Iranian Oil Industry; International and domestic aspect*, New York: Praeger, 1976.

### پی نوشت ها:

۱. فاتح، مصطفی، پنجاه سال نفت ایران، ص ۲۶۵.
۲. شوادران، بنجامین، نفت؛ خاورمیانه و قدرتهای بزرگ، ص ۲۷.
3. Fesharaki, Ferydun; Development ment of the Iranian oil Industry, p. 2.
۴. لسانی، ابوالفضل، نفت طلای سیاه یا بلای سیاه، ص ۲.
۵. در متن قرارداد به جای «ماده» از «فصل» استفاده شده بود.
6. Ghaffari, Masaud, *Political Economy of Oil in Iran*, p. 127.
۷. موحد، محمدعلی، نفت ما و مسائل حقوقی آن، ص ۸۹.
۸. نگاه کنید به ضمیمه شماره یک قرارداد کنسرسيوم.
۹. نفت؛ خاورمیانه و قدرتهای بزرگ، ص ۱۶۶.